

بررسی تاثیر بحران مهاجرت بر قدرت‌گیری احزاب راست رادیکال در اروپای غربی

۲۰۱۷-۲۰۰۸ (مطالعه موردی: حزب جبهه ملی فرانسه)

* مهدی براتعلی‌پور

** سمیرا بهروز

چکیده

ظهور دولت اسلامی (داعش) در خاورمیانه، آغاز جنگ داخلی در سوریه و عراق، و تداوم منازعات در افغانستان باعث تشدید روند بحران مهاجرت در اروپا شده است. ماهیت این بحران از محوریت موضوعات اقتصادی و اجتماعی به موضوع هویتی و متعاقب آن، امنیتی تغییر پیدا کرده است. بر این اساس، در حوزه سیاست داخلی، احزاب راست رادیکال روند رو به رشدی را آغاز کرده و توانسته‌اند از طریق مخالفت با مهاجرت و هشدار در مورد تهدید هویتی، توجه بسیاری از رأی‌دهندگان را به خود جلب کنند. پژوهش کنونی درصدد است به بررسی تاثیر بحران مهاجرت بر قدرت گرفتن احزاب راست رادیکال در اروپای غربی، و به صورت موردی حزب جبهه ملی فرانسه طی سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۰۸ بپردازد. در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در سال‌های مورد مطالعه، بحران مهاجرت همراه با بحران اقتصادی اروپا و ناکامی‌های اتحادیه اروپا، فرصت رشد و توسعه احزاب راست رادیکال را فراهم کرده است. حزب جبهه ملی فرانسه به عنوان یکی از قدرتمندترین احزاب راست رادیکال در اروپای غربی، از طریق امنیتی کردن مسئله مهاجرت توانسته است به موفقیت‌های چشمگیری در عرصه‌های انتخاباتی دست یابد و به یکی از احزاب تاثیرگذار در صحنه سیاسی فرانسه تبدیل شود.

واژه‌های کلیدی: بحران مهاجرت، احزاب راست رادیکال، اروپای غربی، فرانسه، حزب

جبهه ملی

* دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران

Baratalipour@yahoo.com

samirabehroz@yahoo.com

** کارشناس ارشد علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۹

فصلنامه روابط خارجی، سال دهم، شماره سی‌وهشتم، تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۶۲-۱۳۵

مقدمه

صحبت درخصوص احزاب دست راستی، پس از جنگ جهانی دوم آغاز شد. پس از پایان جنگ جهانی دوم به دلیل رشد اقتصادی، کاهش نرخ بیکاری و بی‌اعتبار شدن سیاست‌های نژادپرستانه، احزاب افراطی چندان مورد توجه قرار نگرفتند. از دهه ۱۹۸۰ و با کمرنگ شدن خاطرات زنده دوران فاشیسم و همزمان با آغاز تحولات جدید مانند جهانی شدن و افزایش ورود مهاجران به کشورهای اروپایی، شاهد ظهور و شکل‌گیری احزاب نوینی در صحنه سیاسی کشورهای اروپایی هستیم. این احزاب با رویکردی پوپولیستی خود را صدای اصلی مردم و اکثریت خاموش دانسته و احزاب حاکم اعم از چپ و راست را از یک جنس می‌دانند. احزاب راست افراطی در شکلی متنوع و تقریباً در تمام کشورهای اروپایی حضور دارند و با مطرح کردن مسائلی مانند دفاع از ارزش‌ها و هویت ملی، سیاست چند فرهنگ‌گرایی را نقد کرده و با روشی هوشمندانه خود را از فاشیسم سنتی و نژادپرستی بیولوژیک مبرا می‌کنند. با قرار گرفتن این احزاب در جایگاه ضدساختاری و افزایش بی‌اعتمادی به نهادهای رسمی و نارضایتی از احزاب حاکم، بسیاری از رأی دهندگان حتی بدون وابستگی ایدئولوژیک به سمت این احزاب جذب می‌شوند. اگرچه برخی از این احزاب راست افراطی احزاب جوانی محسوب می‌شوند، اما این احزاب بعد از پایان جنگ جهانی دوم در سه موج مجزا ظهور کردند. موج نخست بلافاصله پس از پایان جنگ جهانی دوم بود که در آن احزاب فاشیست و نئونازی همچون حزب رایش سوسیالیست فعالیت خود را آغاز کردند که از آرا و ایده‌های سیاسی دوران جنگ جهانی پیروی

می‌کردند. موج دوم که از دهه ۱۹۷۰ آغاز می‌شود، احزاب دست راستی به طور عمده در کشورهای اسکاندیناوی ظهور کردند. این احزاب ابتدا فعالیت‌های خود را در مخالفت با سیاست‌های مالیاتی دولت‌های متبوع خود آغاز کردند. موج سوم نیز از دهه ۱۹۸۰ آغاز می‌شود که حمایت گسترده‌ای را برای احزاب در پی داشت و همزمان با آغاز فاز جدیدی از مهاجرت به اروپا که بالغ بر ۳۰ میلیون نفر بود و باعث ظهور احزاب موفقی مانند حزب آزادی اتریش، جبهه ملی فرانسه و ولانز بلانگ اتریش شد (ایوبی، ۱۳۹۲: ۸۲-۸۳). ویژگی‌های مهم جریان راست افراطی عبارتند از ضدیت با ساختار حاکم و احزاب جریان اصلی، پوپولیسم، مخالفت با دموکراسی نمایندگی، مخالفت با اتحادیه اروپا و همگرایی اروپایی، ضدیت با جهانی شدن، ضدیت با دموکراسی و کوشش برای ایجاد یک حکومت اقتدارگرا، مخالفت با چند فرهنگ‌گرایی و تاکید بر فرهنگ و ارزش‌های ملی، نفرت نسبت به زمان حال به عنوان دوره انحطاط و نوستالژی به عصر طلایی گذشته، بومی‌گرایی، بیگانه‌هراسی، اسلام‌ستیزی، یهودستیزی و کولی‌هراسی و مخالفت گسترده با مهاجرت (ایوبی، ۱۳۹۲: ۸۶).

در دهه‌های اخیر و با افزایش سطح حمایت از احزاب راست افراطی، حمایت شهروندان اروپایی از همگرایی اروپا کاهش یافته است. برخی از مهم‌ترین ریشه‌های پیدایش احزاب راست رادیکال عبارتند از گسترش جهانی شدن اقتصادی، مهاجرت و بیکاری فزاینده، گسترش چند فرهنگی شدن و تهدید هویت فرهنگی، کاهش اقدامات رفاهی، گسترش تروریسم و جرم‌ها در غرب (عمدتاً از ناحیه مهاجران و پناهندگان) (سردارنیا، ۱۳۸۶: ۱۸۷). فعالیت‌های انتخاباتی راست رادیکال به شدت توسط نگرش‌های سیاسی یعنی با درک منفی از مهاجرت، بی‌اعتمادی سیاسی، مخالفت با توزیع مجدد درآمد و رضایت سیاسی برانگیخته می‌شود (Zhirkov, 2013: 286). روشن است که بحث در مورد اسلام و مهاجران مسلمان در جهت تبدیل شدن به مرکز بحث‌های سیاسی اروپا حرکت می‌کند. افزایش حجم انتشارات در مورد اسلام در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نشان می‌دهد که اسلام در حال حاضر یک مسئله سیاسی عمده است که غالباً با بحث در مورد تروریسم و

امنیت ارتباط دارد. راست افراطی نه تنها مهاجرت را به عنوان بک تهدید فرهنگی برای کشورهای اروپایی معرفی کرد بلکه موفق شد مهاجرت را به کانون مناظرات سیاسی انتقال دهد (Yılmaz, 2012: 368). در انتخابات پارلمان اروپا در ماه می ۲۰۱۴، احزاب راست افراطی پیروزی قابل توجهی کسب کردند. در فرانسه جبهه ملی به رهبری مارین لوپن با شعار «نه به بروکسل (اتحادیه اروپا)، آری به فرانسه»، ۲۵ درصد آرا را کسب کرد و دارای ۲۴ نماینده در پارلمان اروپا شد. حزب راست‌گرای استقلال بریتانیا به رهبری نایجل فاراژ در بریتانیا ۲۷ درصد آرا را کسب کرد و به ۲۴ کرسی پارلمان اروپا رسید. در دانمارک حزب مردم که راست‌گرای افراطی و ضدسیاست‌های مهاجرت اتحادیه اروپاست ۲۷٫۶ درصد آرای مردم را به دست آورد. در یونان حزب راست افراطی طلوع طلایی نزدیک به ۱۰ درصد آرا را کسب کرد. این روند تقریباً در اغلب کشورهای عضو اتحادیه اروپا ادامه داشت؛ به‌گونه‌ای که احزاب پوپولیست و افراطی در مجموع یک چهارم کرسی‌های پارلمان اروپا را در انتخابات می ۲۰۱۴ کسب کردند (ثمودی، ۱۰ تیر ۱۳۹۳). این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا بحران مهاجرت بر قدرت گرفتن احزاب راست رادیکال در اروپای غربی (حزب جبهه ملی فرانسه) طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۷ تأثیر داشته است؟ فرضیه مقاله این است که بحران مهاجرت بر قدرت گرفتن احزاب راست رادیکال تأثیرگذار است و موجب افزایش قدرت احزاب راست رادیکال و به طور خاص واحد مورد مطالعه یعنی حزب جبهه ملی فرانسه طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۷ شده است.

۱. مبانی نظری

این بحث در زیر به تفکیک در چهارچوب پیشینه پژوهش و ادبیات پژوهش ارایه می‌شود:

۱-۱. پیشینه پژوهش

لوکاسن^۱ و لوبرس^۱ در مقاله‌ای تحت عنوان "چه کسی از چه چیزی می‌ترسد؟

تشریح اولویت جناح راست افراطی در اروپا از طریق تمایزگذاری ادراک تهدیدات قومی، فرهنگی و اقتصادی^۱ نشان می‌دهند که تهدیدات قومی فرهنگی بیشتر از تهدیدات قومی اقتصادی در ترجیحات راست رادیکال نقش دارد و همچنین بیان می‌کند تأثیر نسبت مسلمانان در اولویت‌های راست افراطی قابل ملاحظه است (Lucassen, Lubber, 2012: 547-574). اُش^۲ در مقاله‌ای با عنوان «تشریح حمایت کارگران از احزاب پوپولیستی جناح راست در اروپای غربی: شواهدی از اتریش، بلژیک، فرانسه، نروژ و سوئیس» به بررسی تجربی انگیزه‌های کارگران برای حمایت از یک حزب پوپولیستی جناح راست می‌پردازد. این مقاله عنوان می‌کند که پرسش از اجتماع و هویت به وضوح از نارضایتی‌های اقتصادی مهم‌تر است (Oesch, 2008: 349-373).

ژیرکوف^۳ در مقاله‌ای با عنوان «بومی‌گرایی و نه از خود بیگانگی: یک چشم‌انداز مقایسه‌ای در مورد آرای راست رادیکال در اروپای غربی» درمی‌یابد که فعالیت‌های انتخاباتی راست رادیکال به شدت توسط نگرش‌های سیاسی، یعنی با درک منفی از مهاجرت، بی‌اعتمادی سیاسی، مخالفت با توزیع مجدد درآمد و رضایت سیاسی برانگیخته می‌شود (Zhirkov, 2013: 286-296). ییلماز^۴ در مقاله‌ای با عنوان «هژمونی جناح راست و مهاجرت: چگونگی دست‌یابی راست افراطی پوپولیستی به هژمونی از طریق بحث مهاجرت»، عنوان می‌کند: «راست افراطی نه تنها مهاجرت را به عنوان یک تهدید فرهنگی برای کشورهای اروپایی معرفی کرد بلکه موفق شد مهاجرت را به کانون مباحثات سیاسی انتقال دهد» (Yilmaz, 2012: 368-381).

مولایی در نوشتاری تحت عنوان «مهاجرت و سیاست هویت‌محور اروپایی»، الگوهای همگرایی اجتماعی مهاجران (رویکرد جمهوری خواهانه فرانسوی، چند فرهنگ‌گرای انگلیسی و رویکرد پس‌املی‌گرایی آلمانی)، در سه کشور عمده

-
1. Marcel Lubbers
 2. Daniel Oesch
 3. Kirill Zhirkov
 4. Ferruh Yilmaz

اروپایی یعنی فرانسه، آلمان و انگلیس را مورد بررسی قرار داده است (مولایی، ۱۳۸۷: ۳۹-۶۵). سردارنیا در مقاله‌ای با عنوان "تبیین جامعه‌شناختی احزاب پوپولیستی راست رادیکال جدید در دموکراسی‌های تثبیت یافته اروپا (از دهه ۱۹۷۰ به بعد)" به بررسی پیدایش احزاب راست رادیکال و همینطور موفقیت‌های انتخاباتی این احزاب می‌پردازد (سردارنیا، ۱۳۸۶: ۱۸۵-۲۰۹).

ایوبی در مقاله "گسترش جریان راست افراطی در اروپا" به بررسی ویژگی‌ها و خصوصیات جریان راست افراطی پرداخته و دلایل گسترش آن را مورد بررسی قرار می‌دهد (ایوبی، ۱۳۹۲: ۷۷-۱۱۹). نظری در مقاله‌ای با عنوان "پوپولیسم راست افراطی در دموکراسی‌های اروپایی: مطالعه موردی فرانسه" به بحث از گرایش‌های پوپولیستی جبهه ملی فرانسه، به عنوان برجسته‌ترین نماینده راست افراطی در صحنه سیاسی فرانسه پرداخته است. در این نوشتار مهاجرت به عنوان یکی از دلایل قدرت‌گیری احزاب راست معرفی شده است (نظری، سلیمی، ۱۳۹۴: ۱۵۷-۱۵۸).

آثار موجود در این حوزه غالباً با رویکرد توصیفی به بررسی تاثیر مهاجرت بر روی عملکرد احزاب راست پرداخته‌اند؛ اما در این پژوهش تلاش کرده‌ایم به جای کار صرفاً توصیفی به تولید اثری پژوهشی و روشمند با رویکرد تحلیلی بپردازیم تا علاوه بر ارائه اطلاعات جدید در حوزه مهاجرت، اثر علمی بدیعی در این حوزه به لحاظ روش‌شناسی ایجاد شود. توجه به این نکته ضروری است که گستره تبعات و پیامدهای مهاجرت، تمامی حوزه‌های جامعه یعنی اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و علی‌الخصوص امنیتی و سیاسی را در برمی‌گیرد. از این رو، این پژوهش تلاش کرده است با نگاه جدید و به صورت روشمند پیامدهای مهاجرت را بر حوزه‌هایی که تاکنون کمتر مورد بررسی قرار گرفته‌اند، از جمله حوزه‌های امنیتی و فرهنگی و به صورت خاص اثرات مهاجرت را بر قدرت گرفتن احزاب راست مورد بررسی قرار دهد.

۱-۲. ادبیات پژوهش

در ادبیات پژوهش به تفکیک به مهاجرت، احزاب راست افراطی و حزب جبهه

ملی فرانسه پرداخته می‌شود:

۱-۲-۱. مهاجرت

مهاجرت واژه‌ای است که برای انواع حرکات جمعیتی بین قلمروها که منجر به تغییر دائم یا نیمه دائم مکان سکونت شود، به کار می‌رود. به علت گستردگی مهاجرت در دنیای امروز، همه جوامع بشری به نحوی با چالش مهاجرت مواجه هستند. مهاجرت یکی از چهار عامل اصلی تغییر و تحول جمعیت بوده و به دلیل ماهیت خود می‌تواند علاوه بر تغییرات درازمدت و طولانی، آثاری سریع و کوتاه مدت نیز در تعداد و ساختار جمعیت ایجاد کند (زرقانی، موسوی، ۱۳۹۲: ۸).

۱-۲-۲. احزاب راست افراطی

در واقع یک تعریف واحد یا نام واحدی که بتواند طیف گسترده جنبش‌های راست افراطی را پوشش دهد، وجود ندارد. هانس - جورج بتس^۱ که تحقیقات فراوانی درباره جریان راست افراطی در اروپا انجام داده از اصطلاح «راست افراطی»^۲ برای نامیدن این جریان استفاده کرده است (احمدی لفورکی، ۱۳۹۲: ۳۸-۴۰). راست در پیوند با مفهوم راست افراطی، مفهومی اجتماعی - فرهنگی برای اشاره به احزابی است که مواضع اقتدارگرایانه‌ای در خصوص برخی موضوعات نظیر قانون، نظم، شهروندی و سیاست‌های مهاجرت اتخاذ می‌کنند، که نمونه آن احزاب راست افراطی در اروپا هستند (نظری، سلیمی، ۱۳۹۴: ۱۵۹).

براساس دسته‌بندی احزاب راست رادیکال براساس خاستگاه، جبهه ملی فرانسه در دسته احزاب با خاستگاه بنیان‌های ملی‌گرا قرار می‌گیرد. براساس دسته‌بندی کارتر از احزاب راست رادیکال براساس ایدئولوژی‌شان، جبهه ملی فرانسه در دسته احزاب بیگانه‌هراس استبدادی قرار می‌گیرد و همچنین در دسته‌بندی ایگنازی از احزاب راست رادیکال، جبهه ملی در دسته احزاب راست افراطی پسا صنعتی قرار می‌گیرد.

1. Hans-George Betz

2. Far-Right

۱-۲-۳. حزب جبهه ملی فرانسه

جبهه ملی فرانسه (FN)^۱ در سال ۱۹۷۲ به وسیله ژان ماری لوپن شکل گرفت. رهبر جدید جبهه بعد از سال ۲۰۱۱، مارین لوپن که به نسل جدید فعالین سیاسی حزب تعلق دارد، هم اکنون جبهه ملی را رهبری می‌کند. پیشینه رهبران بنیانگذار جبهه ملی و عناصر فکری که از سنت‌های ایدئولوژیک راست افراطی وام گرفته‌اند و بعدها در گفتمان ایدئولوژیک خود جبهه ملی نیز گنجانده شد، گویای پیوند تنگاتنگ این جریان با گفتمان‌ها و جنبش‌های افراطی با گرایش‌های فاشیستی در تاریخ فرانسه است. در دو دهه اخیر، گرایش‌های ضدجهانی شدن، امریکاستیزی، مخالفت با اتحادیه اروپا و مسئله مهاجران؛ موضوع‌های اصلی گفتمان سیاسی جبهه را تشکیل می‌دادند (نظری، سلیمی، ۱۳۹۴: ۱۷۰-۱۷۲). جبهه ملی مروج یک نوع ناسیونالیسم قومی بوده است. جبهه همیشه در پی نشان دادن تصویری از خود به عنوان یک حزب رفاهی بوده است؛ اما رفاه‌نابستی به شیوه‌ای برابر برای همه اشخاص توزیع شود، بلکه تنها محدود به قوم فرانسه است. دال مرکزی گفتمان سیاسی جبهه، همان مردم یا ملت فرانسه است. سه مفهوم کلیدی دیگر شعارهای انتخاباتی جبهه، اولویت، حفاظت و وحدت کشور بود. مراد از اولویت و حفاظت، فقط مردم فرانسه (نه مهاجران) بود. جبهه ملی، همیشه چپ‌ها و مهاجرین را عامل اصلی مشکلات اجتماعی و اقتصادی فرانسه معرفی کرده است (نظری، سلیمی، ۱۳۹۴: ۱۷۳-۱۷۵).

۲. روش

روش مورد استفاده تحلیل محتوا است که یکی از گونه‌های روش پژوهش کیفی است. روش گردآوری داده‌های این پژوهش به صورت اسنادی - کتابخانه‌ای است که به مطالعه و بررسی اسناد موجود در زمینه موضوع این پژوهش پرداخته و از این طریق به تحلیل موضوع پرداخته شده است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری هدفمند است. در این تحقیق جمع‌آوری داده‌ها معطوف به مطالعه کتابخانه‌ای بوده است. نگارنده پس از گردآوری کتاب‌ها و مقالات خارجی

مرتبط، از مهم‌ترین ابزار روش کتابخانه‌ای یعنی فیش‌برداری استفاده نمود. بدین صورت که با مراجعه به همه منابع شناسایی شده، مطالب مهم و موردنیاز خود را در فیش‌های تحقیق البته با ذکر دقیق مشخصات منبع مورد استفاده نوشته است و پس از ثبت اطلاعات جمع‌آوری شده در فیش‌ها و ترجمه مقالات خارجی، مطالب را با یک نظم منطقی دسته‌بندی کرده و در بخش‌های مرتبط پژوهش از جمله مرور ادبیات و یافته‌ها بهره‌برداری نمود. در جدول زیر اطلاعات مقالات مهمی که مورد استفاده قرار گرفته‌اند و مفاهیم ذکر شده از این مقالات استخراج شده بیان شده است. لازم به ذکر است محقق برای اطمینان از تحلیل داده‌های گردآوری شده مطالعه خود را تا ۵۰ مقاله مازاد بر مقالاتی که در جدول زیر عنوان شده است، مورد بررسی قرار داده است.

فهرست مقالات مورد استفاده در کدگذاری

مقالات فارسی	
۱	احمدی لفورکی، بهزاد. ۱۳۹۲. اروپا ۱۲ (ویژه احزاب و جریان‌های اروپایی)، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۲	ایوبی، حجت‌الله؛ نوربخش، نادر. ۱۳۹۲. گسترش جریان راست افراطی در اروپا، پژوهشنامه روابط بین‌الملل. ۷۷ - ۱۱۹.
۳	بوزان، باری؛ ویور، آلی؛ دو ویلد، یاب. ۱۳۸۶. چهارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴	زرقانی، سید هادی؛ موسوی، زهرا. ۱۳۹۲. مهاجرت‌های بین‌المللی و امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۵۹.
۵	سردارنیا، خلیل‌الله. ۱۳۸۶. تبیین جامعه‌شناختی احزاب پوپولیستی راست رادیکال در دموکراسی‌های تثبیت یافته اروپا (از دهه ۱۹۷۰ به بعد)، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۴، ۱۸۵ - ۲۰۹.
۶	محمدنیا، مهدی. ۱۳۹۵. مهاجرت و رادیکالیسم در اتحادیه اروپا، فصلنامه روابط خارجی. ۸ (۲)، صص ۵۷-۸۶.
۷	مرشدی‌زاد، علی؛ غفاری هاشجین، زاهد. ۱۳۸۶. اسلام‌هراسی در اروپا؛ ریشه‌ها و عوامل، دانش سیاسی، ۳ (۲)، صص ۱۱۳-۱۳۹.
۸	نظری، علی اشرف؛ سلیمی، برهان. ۱۳۹۴. پوپولیسم راست افراطی در دموکراسی‌های اروپایی: مطالعه موردی فرانسه، فصلنامه دولت‌پژوهی، ۱ (۴)، ۱۵۷-۱۵۸.
۹	احمدی لفورکی، بهزاد. ۱۳۹۱. اروپا ۱۱ (ویژه مسائل استراتژیک اتحادیه اروپا)، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۱۰	ایوبی، حجت‌الله؛ نوربخش، نادر. ۱۳۹۲. گسترش جریان راست افراطی در اروپا، پژوهشنامه روابط بین‌الملل. ۷۷ - ۱۱۹.
مقالات لاتین	
۱۱	Van Mol, ch., & De Valk, H. (2016). Migration and Immigrants in Europe: A Perspective. Integration Processes and Policies in Historical and Demographic Europe, IMISCOE Research Series, DOI 10.1007/978-3-319-21674-4_3
۱۲	Yılmaz, F. (2012). Right-wing hegemony and immigration: How the populist far-right achieved hegemony through the immigration debate in Europe. Current

Sociology, 60(3) 368-381.	
the Zhirkov, k. (2013). Nativist but not alienated: A comparative perspective on .radical right vote in Western Europe. Party politics, Vol 20(2) 286-296	۱۳

در پژوهش حاضر متن مقالات به عنوان واحد تحلیل مدنظر قرار گرفته است. واحد تحلیل در روش کیفی سطر به سطر و پارگراف به پارگراف است که محقق این تحقیق از روند پارگراف به پارگراف برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده نموده است. ابتدا متن مقالات بررسی و مطالعه شد و مطالب و بخش‌های کلیدی متن جدا شد. سپس کدگذاری داده‌ها آغاز گردید. در اولین مرحله کدگذاری، مفاهیم مرتبط با سئوال تحقیق شناسایی شدند و برحسب خصوصیات و ابعادشان گسترش یافتند و به هریک از داده‌های مناسب برای تحلیل، مفهوم یا کد داده شد. در خور توجه است که این مفاهیم سنگ بنای مقوله‌های عمده و سپس اجزای اصلی مضامین را تشکیل می‌دهند و تا زمانی ادامه می‌یابد که مقولات شروع به شکل‌گیری کنند. در این مرحله ۲۳ مفهوم از متن مقالات استخراج شد. بعد از این مرحله، مرحله بعدی کدگذاری آغاز شد. در این مرحله محقق پس از بررسی کدهای اولیه و مقایسه کردن آنها با یکدیگر، مفاهیم مشابه و متداخل را شناسایی کرده است تا حجم زیادی از داده‌ها را به تعداد محدودی مقولات عمده تقلیل دهد، در نتیجه با پیشبرد این مرحله داده‌ها از نظم بیشتری برخوردار شدند؛ لذا این مقولات از سطح انتزاع بیشتری نسبت به مرحله قبلی برخوردار گردیدند. بنابراین مفاهیم به دست آمده به ۱۳ مقوله تقلیل یافت و در پایان هریک از مقولات با توجه به ارتباط آنها با یکدیگر در یک مقوله نهایی پرورانه شدند که حاصل آن ۵ مضمون پوپولیسم، بیگانه ستیزی/ هراسی، رادیکالیسم، امنیت اجتماعی و امنیت اقتصادی است.

۳. یافته‌ها

کدگذاری محوری دسته‌بندی مقولات عمده و انتخاب مقولات نهایی

مقولات نهایی	مقولات عمده	ردیف
پوپولیسم	برانگیختن حس ناسیونالیستی (ناسیونالیسم قومی)	۱
	برانگیختن حس غرور فرهنگی	
	برجسته‌سازی دوگانه "ما" و "دیگری"	

بیگانه ستیزی / هراسی	اسلام هراسی	۲
	یهود ستیزی	
	کولی ستیزی	
رادیکالیسم	تروریسم	۳
	رشد جنایت	
امنیت اجتماعی	هویت	۴
	تغییر توازن جمعیتی	
	رشد چند فرهنگ‌گرایی	
امنیت اقتصادی	کاهش خدمات رفاهی	۵
	بیکاری	

۳-۱. پوپولیسم^۱ (رویکرد پوپولیستی حزب جبهه ملی)

پوپولیسم از ویژگی‌های برجسته احزاب راست افراطی در اروپای امروز است. بازگشت پوپولیسم به صحنه سیاسی کشورهای اروپای غربی در قالب جریان‌ات راست افراطی، ریشه در شکست احزاب سنتی در پاسخ کافی و مناسب به مسائلی چون جهانی شدن اقتصاد و فرهنگ، سرعت و مسیر ادغام در اتحادیه اروپا، مهاجرت و مهاجران، افول اهمیت ایدئولوژی‌ها و سیاست طبقاتی، فساد نخبگان سیاسی حاکم دارد (نظری، سلیمی، ۱۳۹۴: ۱۵۹).

عنوان پوپولیستی یا مردم‌گرا برای این احزاب به این دلیل است که از پشتیبانی طیف گسترده‌ای از کارگران نیمه ماهر، غیر ماهر، اقشار فرودست، ملی‌گرایان، تحصیل کرده‌های بیگانه‌ستیز، طرفداران اصالت فرهنگی و هویت ملی، خرده فروشان، کشاورزان، طبقه متوسط، صاحبان سرمایه‌های کوچک و صنایع تولیدی در داخل برخوردارند؛ لذا به پشتیبانی طبقه یا قشر خاصی محدود نیستند (سردارنیا، ۱۳۸۶: ۱۸۸). مقوله نهایی پوپولیسم شامل سه زیر مقوله عمده برانگیختن حس ناسیونالیستی (ناسیونالیسم قومی)، برانگیختن غرور فرهنگی و برجسته‌سازی دوگانه "ما" و "دیگری" است که با بررسی شعارها و سخنان مارین لوپن، رهبر فعلی حزب جبهه ملی و همین‌طور پدر وی ژان ماری لوپن که از بنیانگذاران و رهبر سابق حزب بود، می‌توان به رویکرد پوپولیستی آنها در برخورد با مسئله بحران مهاجرت و بهره‌گیری آنها از مسئله موردنظر در جهت قدرت

گرفتن حزب پی برد.

در مبارزه انتخاباتی ریاست جمهوری در سال ۱۹۹۵، شعار انتخاباتی لوپن، تماس و ارتباط با فرانسه و مردم فرانسه بود. رویکرد و لحن پوپولیستی مارین لوپن در جریان سخنرانی‌هایش در کارزارهای انتخاباتی باعث شده است که سیاستمداران احزاب جریان اصلی به جای به عقب راندن ایده‌های او، تصمیم به تقلید از برخی پیشنهادات کلیدی سیاست او بگیرند. اکثر سیاستمداران برجسته تمام راه‌حل‌های دستورکار لوپن را پذیرفته‌اند: آنها (همانند لوپن) وعده راه‌حل‌های سخت قانونی و نظم را می‌دهند؛ دائماً در مورد "هویت ملی" صحبت می‌کنند؛ از "ارزش‌های جمهوری (فرانسه) که تحت تهدید اسلام است" دفاع می‌کنند؛ و نوع منحصر به فرد و غیرتبعیض‌آمیز سکولاریسم (لایسته) را تبلیغ می‌کنند (Marliere, 2016).

به عنوان نمونه در سخنرانی‌های مارین لوپن می‌بینیم که اینگونه بیان می‌کند:

"فرانسه و فرانسوی دیگر امنیت ندارند؛ مرزها باید بسته شوند، بدون بستن

مرز امنیت ممکن نیست" (Newyorktimes, 2015).

"مهاجرت یک جایگزینی سازمان‌یافته برای جمعیت ما است. این مسئله

بسیار بقای ما را تهدید می‌کند. ادغام کسانی که در حال حاضر در اینجا

هستند معنی ندارد. نتیجه تضاد فرهنگی بی پایان است."

امنیت ابعادی دارد که یکی از این ابعاد مهاجرت است؛ مهاجرت به عنوان یکی از ابعاد امنیت به محض وقوعش و بحرانی شدن آن تلاش در جهت تکریم، ابراز یا احراز هویت مخدوش و منهدم آغاز می‌شود. حزب جبهه ملی با استفاده از رویکرد پوپولیستی و عوام‌فریبانه توانسته است از طریق کنش گفتاری و کلامی از طریق برانگیختن احساسات ناسیونالیستی قومی و غرور فرهنگی و همین‌طور برجسته‌سازی تفاوت میان ما و دیگری مهاجرت را که یک پدیده اجتماعی است، به موضوعی امنیتی تبدیل کند و مخاطبان را اقناع کند که موضوعی خاص در حال تهدید است. در واقع یک بازیگر (جبهه ملی) استدلال می‌کند که وجود و بقای یک موضوع خاص (مهاجرت) امنیت کشور را تهدید می‌کند.

۳-۲. بیگانه‌هراسی^۱/ستیزی

بیگانه‌ستیزی یا بیگانه‌هراسی، ترس یا تنفر از افراد خارجی یا بیگانگان است که در نگرش‌ها و رفتار تبعیض‌آمیز تجسم می‌یابد و اغلب در خشونت به اوج می‌رسد. مطالعات بر روی بیگانه‌ستیزی از قبیل نفرت از افراد خارجی به دلایلی نسبت داده شده‌اند: ترس از دست دادن موقعیت اجتماعی و هویت؛ تهدیدی برای موفقیت‌های اقتصادی شهروندان؛ یکی از راه‌های اطمینان بخش حفظ مرزهای ملی در زمان بحران ملی؛ احساس تفوق و برتری و ضعف اطلاعات فرهنگی. بیگانه‌ستیزی از این معنا مشتق شده است که اساساً غیرشهروندان نوعی تهدید برای هویت‌گیرندگان و حقوق فردی آنها محسوب می‌شوند، همچنین با مفهوم ناسیونالیسم متصل است (Kosaka & Solomon, 2014: 5). سخنان رهبر حزب جبهه ملی همواره با بیگانه‌ستیزی همراه بوده است:

"آیا آنها حتی به زبان فرانسه ما می‌توانند صحبت کنند؟" (Time, 2015).

"غیر از قانون و ارزش‌های فرانسوی هیچ قانون و ارزش دیگری در فرانسه

وجود نخواهد داشت" (Time, 2015).

حزب از طریق تمایزگذاری میان ما (فرانسوی) و دیگری (غیرفرانسوی)، درصدد دفاع از هویت خود است و از این طریق تلاش می‌کند هویت فرانسوی را که مهاجرت در معرض تهدید قرار داده است حفظ کند. از مهم‌ترین دلایل رویکرد منفی دولت‌های اروپایی نسبت به مهاجرین، عدم انسجام هویتی آنان در فرهنگ اروپایی است؛ از این‌رو همواره به عنوان تهدیدی برای جوامع اروپایی مشاهده می‌شوند. مقوله‌نهایی بیگانه‌هراسی شامل سه زیر مقوله عمده اسلام‌هراسی، یهودستیزی و کولی‌ستیزی است که هر یک از مقولات براساس بررسی شعارها شرح داده خواهد شد. با توجه به این مسئله که جمعیت کثیری از مهاجران در کشورهای اروپای غربی از کشورهای خاورمیانه و اغلب مسلمان هستند، موج اصلی بیگانه‌ستیزی این حزب متوجه مهاجران مسلمان است که مسئله اسلام‌هراسی را به دنبال داشته است.

۳-۲-۱. اسلام ستیزی/اسلام هراسی^۱

اسلام هراسی مفهومی است که به ترس، پیش‌داوری و تبعیض غیرعقلانی در قبال اسلام و مسلمانان اشاره دارد (مرشدی‌زاد، غفاری، ۱۳۸۶: ۱۱۴-۱۱۵). اسلام هراسی تمام اشکال و انواع متفاوت گفتمانی و زبانی را در برمی‌گیرد که همگی از یک هسته ایدئولوژیک یکسان نشأت می‌گیرند که همانا یک هراس غیرمنطقی از اسلام است (شیرغلامی، ۱۳۹۰: ۱۰۰۰-۱۰۰۱). سخنرانی‌های مارین لوپن رهبر حزب جبهه ملی شامل حجم بالایی از اسلام‌ستیزی است:

"اسلام بنیادگرا باید از بین برود؛ فرانسه باید سازمان‌های بنیادگرا را قدغن و مساجد رادیکال را ببندد و خارجی‌هایی که ترویج نفرت روی خاک و سرزمین‌مان می‌کنند، بیرون انداخته شوند؛ به ویژه مهاجران غیرقانونی" (Newyorktimes, 2015).

"اعضای جنبش‌های اسلام‌گرا و افرادی که شهروندی دوگانه فرانسه و کشورهای دیگر را دارند، جایی در سرزمین فرانسه ندارند" (Newyorktimes, 2015).

"اسلامی‌سازی مترقی در کشور ما و افزایش مطالبات سیاسی - مذهبی، بقای تمدن ما را زیر سؤال می‌برد" (Telegraph, 2010).

"اسلام‌گرایی تمایل دارد که شریعت را به عنوان قانون مدنی، سیاسی و مذهبی به همه تحمیل کند. ما جوامع غربی در حال مبارزه با اسلام‌گرایی در سراسر جهان هستیم" (Telegraph, 2010).

"مهاجرت مسلمانان به فرانسه مانند اشغال فرانسه توسط نازی‌ها است" (Telegraph, 2010).

"ما نمی‌خواهیم تحت حاکمیت یا تهدید بنیادگرایی اسلامی زندگی کنیم" (Time, 2017).

حجم بالای سخنان رهبر حزب جبهه ملی نشان از اسلام‌هراسی گسترده توسط این حزب دارد که با ایجاد پیوند میان مهاجرت و اسلام‌هراسی، مهاجرت را به

پدیده‌ای امنیتی تبدیل کرده که تهدیدی امنیتی در ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای فرانسه محسوب می‌شود. اسلام و مهاجرین مسلمان به دلیل عدم انسجام فرهنگی، هویتی و زبانی با جامعه فرانسه همواره تهدیدی هویتی محسوب می‌شوند. حملات گسترده تروریستی از سوی اسلام‌گرایان افراطی و افزایش رادیکالیسم اسلامی در کشورهای اروپایی و همین‌طور فرانسه این تهدید هویتی شدت بیشتری یافته و به مسئله‌ای امنیتی بدل شده است که جبهه ملی از طریق آن و با ابراز در خطر قرار گرفتن هویت و ملیت فرانسوی سعی در جلب آرای شهروندان فرانسوی دارد.

۳-۳. رادیکالیسم

هر زمان که مسئله "رادیکالیزه کردن" کردن مسلمانان در جوامع غربی مطرح می‌شود، سیاستمداران و رسانه‌ها همواره به سوی چیزی به نام "اجتماع مسلمان" تمایل پیدا می‌کنند. در این مسئله جریان غالب این است که "رادیکالیسم (افراط‌گرایی)" به دلیل "عدم ادغام" جوامع مسلمان در بقیه جامعه (جامعه اروپایی) و تضاد "ارزش‌ها" رخ می‌دهد (Hamad, 2017, May 4). امروزه در اتحادیه اروپا موضوع مهاجرت با فرایند رادیکالیسم پیوند خورده است. یکی از موارد مهمی که در کشورهای اروپایی با رادیکالیسم پیوند خورده مسئله تروریسم وطنی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پیوند مهاجرت، رادیکالیسم و امنیتی شدن



۳-۳-۱. تروریسم

تروریسم عبارت است از تهدید به یا استفاده از خشونت اغلب بر ضد شهروندان

1. radicalization
2. Muslim community
3. lack of integration
4. values

برای دستیابی به اهداف سیاسی برای ترساندن مخالفان یا ایجاد نارضایتی عمومی". در این چهارچوب، تروریسم شامل فعالیت‌هایی چون آدم‌کشی، بمب‌گذاری، کشتار بی‌هدف، هواپیماربایی و آدم‌ربایی می‌شود (پورسعید، ۱۳۸۸: ۱۴۶-۱۴۸). آلکس اشמיד عناصر مشترک و اصلی در تعاریف ارائه شده از تروریسم را اینگونه برشمرده است: اعمال خشونت و زور، تعقیب اهداف سیاسی، ایجاد وحشت و ترس، تهدید و واکنش‌های پیش‌دستانه، آماج خشونت و سازمان‌یافتگی خشونت (سلیمانی، ۱۳۸۵: ۱۸۵). تروریسم بدترین شکل ممکن در طیف افراط‌گرایی است (ایزدی، ۱۳۹۳: ۱۷۲). حمله اسلام‌گرایان بنیادگرا به نشریه شارلی ابدو در پاریس و کشته شدن برخی متصدیان این نشریه، زمینه مناسبی برای تبلیغات پوپولیستی جبهه فراهم آورد. مارین لوپن بحث از مورد هجوم قرار گرفتن فرانسه از سوی یک ایدئولوژی توتالیتار (بنیادگرایی اسلامی) نمود و آن را سرطان اسلام خواند. او راه‌حل‌های معمول خود شامل "کنترل مرزها، جلوگیری از مهاجرت گسترده که ثمره‌اش بیکاری و عدم ادغام مهاجرین به دلیل نبود یک سیاست درست" است را دوباره تکرار و تغییرات عمده در سیاست خارجی فرانسه را پیشنهاد کرد. مارین لوپن در اظهارنظر مشهوری، "مهاجرت مسلمانان به فرانسه را با اشغال نازی‌ها یکی دانست".

"این کشور توسط دو نوع توتالیتاریسم؛ جهانی شدن اقتصادی و بنیادگرایی اسلامی تهدید می‌شود" (Financial time, 2017).

مواضع مارین لوپن و سایر اعضای جبهه ملی فرانسه، بعد از حملات تروریستی ۱۳ نوامبر ۲۰۱۵، گوش شنوای بیشتری در میان فرانسویان یافت. جبهه ملی فرانسه به بهترین وجه ممکن از ترس و خشم عمومی نشأت گرفته از این مسئله در میان مردم فرانسه بهره‌برداری کرد و در دور اول انتخابات منطقه‌ای ۶ دسامبر ۲۰۱۵، با کسب ۲۸ درصد آرا در ۶ منطقه فرانسه، گوی سبقت را از احزاب سوسیالیست و حزب جنبش مردمی سارکوزی ربود.

۳-۴. امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی یک مفهوم مرکزی دارد و آن عبارت از هویت است. هرگاه

گروهی احساس کند باور و رویه‌های فرهنگی - اجتماعی‌اش انکار، مهار یا دستکاری می‌شود، احساس ناامنی می‌کند. ممکن است این احساس ناامنی واقعی باشد، مانند مهاجرت انبوه از منطقه الف به منطقه ب و تقلیل تعداد و تمرکز ساکنان منطقه ب. ممکن است احساس ناامنی، خیالی باشد، یعنی در پی تحرکات عادی گروه الف، گروه ب احساس ناامنی کند و حدس غیرواقعی به ناامنی‌های واقعی منتهی شود. تلاش جامعه برای ابراز هویت، اقدامی هدفمند و اندیشیده برای ابراز خود و طرد دیگری تلقی می‌شود. همان‌گونه که دولت‌ها به محض گمان در مورد تهدید علیه حاکمیت خود دست به سلاح می‌برند، جوامع نیز به هنگام احساس و نه درک و مشاهده مخاطره، علیه هویت و نه حاکمیت خود، مبادرت به ابراز آشکار خود می‌کنند (نصری، ۱۳۹۰: ۱۰۹).

مواردی که امنیت اجتماعی را تهدید می‌کنند به صورت بنیادی ریشه در هویت دارند. در این رابطه فرهنگ، زبان، نژاد، مذهب و یا هر بافت دیگر "خود بیانگری" می‌تواند ریشه‌های هرگونه امنیت یا ناامنی اجتماعی باشند. ایشیچو و اسپون مولفه‌های سازنده‌ای که اطراف آن هویت‌های جمعی و ناامنی اجتماعی احتمالی شکل می‌گیرند را به پنج دسته طبقه‌بندی می‌کنند: قومی / سرزمینی، مذهبی / فرهنگی، اجتماعی / اقتصادی، سیاسی / حقوقی و سیاسی / نظامی (قوام، کیانی، ۱۳۸۹: ۱۱۱-۱۱۳). مقوله‌نهایی امنیت اجتماعی شامل سه مقوله عمده هویت، تغییر توازن جمعیتی و رشد چندفرهنگ‌گرایی است که هر یک از این مقولات شرح داده می‌شوند.

مارین لوپن: "مهاجرت یک جایگزینی سازمان‌یافته برای جمعیت ما است. این مسئله بسیار بقای ما را تهدید می‌کند. ادغام کسانی که در حال حاضر در اینجا هستند معنی ندارد. نتیجه تضاد فرهنگی بی‌پایان است."

"فردای پس از پیروزی در انتخابات از اتحادیه اروپا خواهم خواست تا چهار قدرت حاکمه ما را به ما بازگرداند که بدون آنها مردم آزاد نیستند و ظرفیت اعمال اصلاحات لازم وجود ندارد. حاکمیت بر سرزمین، حاکمیت

بر مرزها، حاکمیت بر واحد پولی و حاکمیت اقتصادی و حاکمیت قانونگذاری" (euronews, 2017).

"من با تابعیت دوگانه مخالف هستم و از چنین افرادی می‌خواهم تا ملیت خود را انتخاب کنند کسانیکه فرانسه را به عنوان ملیت خود انتخاب نکنند باید فرانسه را ترک کنند" (euronews, 2017).

تاکید حزب جبهه ملی بر مسئله هویت است که امنیت اجتماعی بر آن بنا شده است. سخنان رهبر حزب که همواره بر فرهنگ، هویت، ارزش‌ها، زبان و قوانین فرانسوی تأکید می‌کند تلاشی است برای دفاع از امنیت اجتماعی فرانسوی در مقابل تهدید امنیتی مهاجرت. سیل عظیم مهاجران که عمدتاً از کشورهای خاورمیانه هستند و توانایی هضم کردن هویت فرانسوی را ندارند، باعث ایجاد تمایزات اجتماعی و شکاف‌های هویتی و حتی نژادی در جامعه فرانسه می‌شود. اصولاً یکی از دغدغه‌های جدی مقامات اروپایی حضور و فعالیت مهاجرین و یا دیاسپوراهای نژادی در کشورهای آنان است. دیاسپوراها اغلب گروه‌هایی هستند که از ادغام کامل در جامعه میزبان سر باز زده و تمایل به حفظ ریشه‌ها و علقه‌های خود با سرزمین‌های مادری‌شان دارند.

۳-۴-۱. هویت^۱

هویت در زبان انگلیسی و در فرهنگ واژگان آکسفورد به معنای «آنچه کسی یا چیزی هست، همان بودن» ترجمه شده است (بهزادفر، ۱۳۸۶: ۱۱). اعضای هر جامعه‌ای ادراک خاصی از هویت متمایزشان دارند. آنها ممکن است این ادراک را در دین یا زبان خود متجلی کنند و یا آن را به گونه‌ای نمادین در هنر منعکس سازند. در هر جامعه‌ای انسان‌ها خودشان را در یک رشته از گروه‌ها سازمان می‌دهند؛ هریک از این گروه‌ها هویت متمایز و داعیه‌های خاصی را در مورد اعضای خود دارند. این هویت‌ها و داعیه‌ها از خانوار گرفته تا ملت، در یک دوشاخگی گسترده «ما - آنها» منعکس می‌شوند (شارون، ۱۳۷۹: ۵۵). یکی از مهم‌ترین دلایل رویکرد منفی دولت‌های اروپایی نسبت به مهاجرین مسلمان، عدم

انسجام هویتی آنان در فرهنگ اروپایی است. در رابطه با چگونگی مواجهه با مهاجران (مسلمانان) در اروپا، دو رویکرد عمده چند فرهنگ‌گرایی (در انگلستان) و ادغام-گرا وجود دارد. در فرانسه که رویکرد ادغام‌گرا دنبال می‌شود، این رویکرد خواهان اعطای شهروندی به اقلیت‌های دینی از جمله مسلمانان و اروپایی کردن آنهاست. مدل فرانسوی یکپارچگی مهاجرین مبتنی بر اصطلاح لائیسسته است که به معنی سکولاریسم در سیاست است؛ لذا هر شهروندی باید در مرحله اول خود را فرانسوی معرفی نماید و ویژگی‌های مذهبی و نژادی خود را در مرحله دوم اهمیت قرار دهد. در فرانسه موضوع ادغام مسلمانان در فرهنگ اروپایی، تحت عنوان «پایندی به ارزش‌های جمهوری» مطرح می‌شود. مهاجرین مسلمان اروپا از فرانسه تا آلمان و بلژیک «جوامع مجازی»^۱ را در کشورهای اروپایی ایجاد کرده‌اند. گرایش به رادیکالیسم اسلامی از سوی برخی مسلمانان افراطی در اروپا (متولدین اروپا یا مهاجرین جدید) و پیوستن به گروه‌های تروریستی را می‌توان یکی از مهم‌ترین پیامدهای عدم همگونگی و انسجام هویتی دانست که اروپا را بیش از پیش در معرض خطرات و آسیب‌های امنیتی جدی قرار داده است (محمدنیا، ۱۳۹۵: ۷۳-۷۵).

۳-۴-۲. رشد چند فرهنگ‌گرایی

راست افراطی مخالف جدی این ایده است که فرهنگ‌های خارجی منبع غنای فرهنگی هستند و چند فرهنگ‌گرایی می‌تواند به ایجاد یک جامعه چندفرهنگی منجر شود. از دید راست افراطی، چند فرهنگ‌گرایی نابودکننده فرهنگ‌های منفرد است و به یک روند تنزیل دهنده فرهنگی ختم می‌شود. راست افراطی بسط دهنده مفهومی از ملت است که افراد خارجی نه تنها در آن جای نمی‌گیرند، بلکه تهدیدی علیه حیات و سلامت آن هستند. از دید راست افراطی به لحاظ هستی‌شناختی امکان ادغام افراد خارجی در جوامع اروپایی وجود ندارد. این دیدگاه به خوبی در این سخن ژان ماری لوپن انعکاس یافته است:

«بزرگ‌ترین خطر فراروی فرانسه از دست دادن استقلال به خاطر اتحادیه

اروپا و از دست دادن هویت به خاطر مهاجرت است» (Newyorktimes, 2017).

راست افراطی با فاصله گرفتن از نژادپرستی بیولوژیک، تمرکز اصلی خود را بر مسائل فرهنگی گذاشته و با خلق مفهومی چون «حق تمایز فرهنگی»، به دنبال تاثیرگذاری ایدئولوژیک و فلسفی است. راست افراطی مدعی است که تلاش برای ایجاد یک الگوی واحد و کلی فرهنگی، نژادپرستی واقعی است. در واقع، بومی‌گرایی فرهنگی مبلغ نوعی بیگانه‌هراسی ملی - نژادی است که به دنبال تقویت ملت از طریق یک دست ساختن هرچه بیشتر نژادی آن، بازگشت به ارزش‌های سنتی و حذف گروه‌های تهدید کننده از جامعه است. از آنجا که نژادپرستی بیولوژیک به لحاظ اجتماعی قابل پذیرش از سوی مردم اروپا نیست، مهاجران و اقلیت‌ها به جای معرفی شدن به عنوان تهدید نژادی، تهدید فرهنگی معرفی می‌شوند که در چهارچوب ارزش‌های غربی بهتر و راحت‌تر می‌توان به آن پرداخت. راست افراطی با این کار به دنبال احیای «اروپای سفید» و یافتن ماهیتی فرامرزی است (احمدی لفورکی، ۱۳۹۲: ۴۶-۴۷).

۳-۵. امنیت اقتصادی

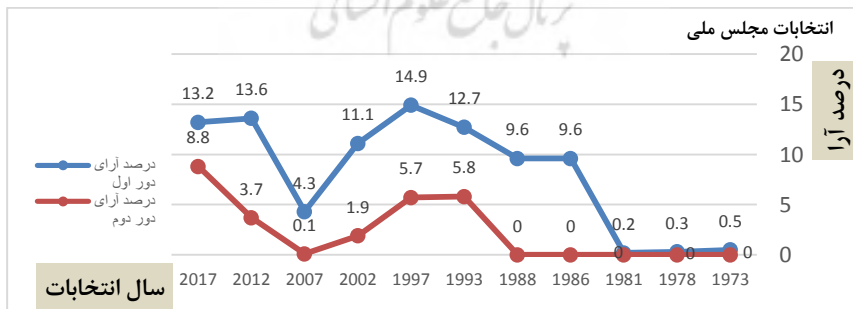
مهاجرت‌ها می‌توانند زیربنای اقتصاد کشور را به مخاطره اندازند و سطح رفاه و قدرت اقتصادی کشور را هدف قرار دهند. اندازه‌گیری‌ها نشان می‌دهد به طور متوسط ۱۰٪ افزایش مهاجران بین‌المللی در جمعیت هر کشور منجر به کاهش ۲/۱ درصدی سهم معیشت مردم، یعنی روزانه حدود ۱ دلار برای هر فرد خواهد شد. ایجاد هزینه‌های اقتصادی، کاهش خدمات رفاهی، افزایش مالیات و کاهش فرصت‌های شغلی توسط مهاجران، علاوه بر به خطر انداختن امنیت اقتصادی، خشم مردم کشور میزبان را برمی‌انگیزاند (زرقانی، موسوی، ۱۳۹۲: ۲۱-۲۲). مقوله نهایی امنیت اقتصادی از دو مقوله عمده کاهش خدمات رفاهی و بیکاری تشکیل شده است. رهبر جبهه ملی مانند سایر موضوعات، مشکلات اقتصادی جامعه فرانسه را نیز به مهاجرت مربوط دانسته و مهاجران را به عنوان عاملان این مشکلات معرفی می‌کند:

"جهانی شدن اقتصادی و جهانی شدن اسلامی به یکدیگر کمک می‌کنند... این دو ایدئولوژی می‌خواهند فرانسه را به زانو درآورند" (yjc).

"مهاجران در حال حاضر در محله‌های ما، در اطراف ایستگاه‌های قطار و یا در محله‌های فقیرنشین سرگردان هستند که باعث مشکلات وسیعی برای امنیت و بهداشت عمومی فرانسه شده‌اند" (New York Times, 2015).

مهاجران معمولاً از نظر اقتصادی در سطح پایینی قرار دارند و هزینه‌های قابل توجهی را در رابطه با مسکن، آموزش، بهداشت، تاسیسات حمل‌ونقل و ارتباطات و نظایر آن بر کشور میزبان تحمیل می‌کنند. برای رسیدگی به موارد فوق، حکومت میزبان ممکن است مالیات شهروندان خود را افزایش دهد و این از طرف برخی از گروه‌های اجتماعی، به خصوص گروه‌های ملی‌گرا، واکنش‌هایی را به دنبال دارد. مهاجرت در اتحادیه اروپا به مسئله‌ای امنیتی تبدیل شده است و حزب جبهه ملی فرانسه با استفاده از این مسئله و تهدید جلوه دادن مهاجرت در تلاش برای قدرت‌گیری است. پس از بررسی و تحلیل مقولات عمده اکنون به بررسی عملکرد انتخاباتی حزب جبهه ملی از ابتدای شکل‌گیری (تاسیس در سال ۱۹۷۲ با رهبری ژان ماری لوپن) تا حال حاضر (۲۰۱۷)، به رهبری مارین لوپن می‌پردازیم و از این طریق نشان می‌دهیم که چگونه جبهه ملی با بهره‌گیری از موضوع مهاجرت و تبدیل این مسئله به بحران توانسته است آرای خود را در انتخابات مختلف در مقایسه با دوره‌های گذشته افزایش دهد و به موفقیت‌های انتخاباتی دست یابد.

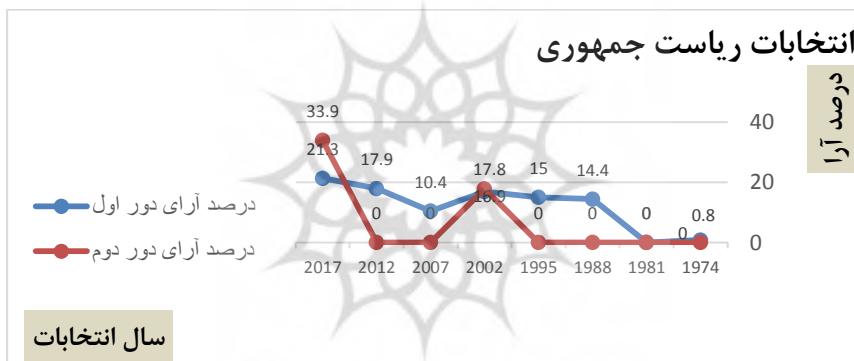
درصد آرای جبهه ملی در دور اول و دوم انتخابات مجلس ملی (۲۰۱۷-۱۹۷۳)



پس از دوران افول حزب از دهه ۱۹۸۰، با تغییر رهبری و روی کار آمدن مارین

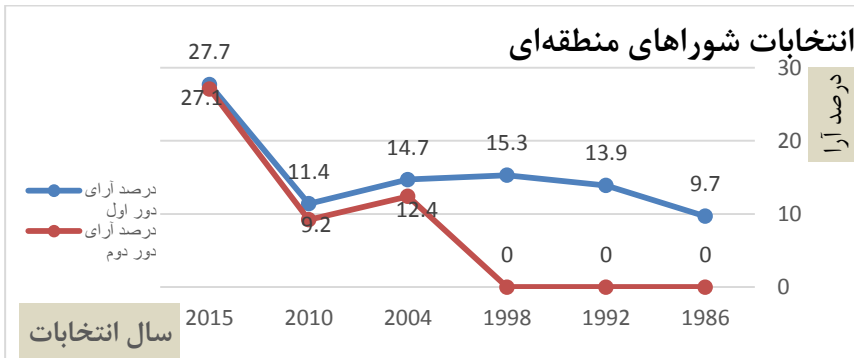
لوپن، شاهد قدرت‌گیری دوباره حزب هستیم؛ به گونه‌ای که در سال ۲۰۱۲ که تنها ۱ سال از رهبری او می‌گذرد، در انتخابات این سال در دور اول ۱۳,۶٪ از آرا را کسب و به دور دوم انتخابات راه یافت. اما در دور دوم نتوانست پیروزی دور اول را تکرار کند و تنها ۲ کرسی در مجلس فرانسه به حزب اختصاص یافت؛ ولیکن این نتیجه نسبت به سه دوره قبلی که پس از آن حزب نتوانسته بود کرسی‌ای به دست بیاورد، نشان از پیشرفت حزب دارد. در انتخابات سال ۲۰۱۷، لوپن بار دیگر پیروزی خود را تکرار کرد و با کسب ۱۳,۲٪ آرا در دور اول به دور دوم راه یافت و با پیشرفتی دیگر نسبت به دوره قبل، با کسب ۸,۸ درصد آرا به ۸ کرسی در مجلس فرانسه دست یافت.

درصد آرای جبهه ملی در دور اول و دوم انتخابات ریاست جمهوری (۲۰۱۷-۱۹۷۴)



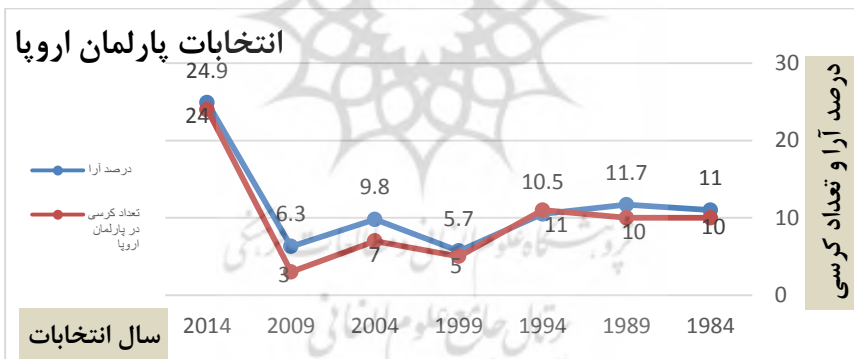
در این انتخابات نیز که حزب از سال ۲۰۰۲ دچار افول شده بود، با آمدن مارین لوپن در رأس حزب در انتخابات ۲۰۱۲، ۱۷,۹ درصد آرا را کسب کرد. بزرگ‌ترین پیروزی انتخاباتی حزب را می‌توان انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۷ دانست که در اتفاقی شگفت‌آور برای بار دوم در تاریخ شکل‌گیری جبهه ملی، لوپن در دور اول با کسب ۲۱,۳ درصد آرا به دور دوم این انتخابات راه یافت و رقیب امانوئل مکرون شد. در دور دوم هرچند لوپن از رسیدن به ریاست جمهوری بازماند اما با جهشی بزرگ و بی‌سابقه به ۳۳,۹ درصد آرای رأی‌دهندگان دست یافت.

درصد آرای جبهه ملی در دور اول و دوم انتخابات شوراهای منطقه‌ای (۲۰۱۷-۱۹۸۶)



بهترین و بزرگ‌ترین موفقیت حزب در این انتخابات باز هم به زمان رهبری مارین لوپن بازمی‌گردد؛ در سال ۲۰۱۵، در دور اول با ۲۷,۷ درصد آرا به دور دوم راه یافت و در دور دوم نیز با نتیجه‌ای تقریباً مشابه دور اول ۲۷,۱ درصد آرا را به دست آورد و به سومین حزب این انتخابات تبدیل شد.

درصد آرای جبهه ملی در انتخابات پارلمان اروپا (۲۰۱۷-۱۹۸۶)



در انتخابات پارلمان اروپا و در اولین انتخابات به رهبری مارین لوپن در سال ۲۰۱۴، بهترین نتیجه حزب در انتخابات پارلمان اروپا شکل گرفت؛ با جهشی بزرگ نسبت به دوره‌های پیشین، با رهبری مارین لوپن حزب توانست ۲۴,۹ درصد آرای رأی‌دهندگان را به خود اختصاص دهد و در اتفاقی بی‌سابقه ۲۴ کرسی از ۷۴ کرسی پارلمان اروپا را از آن خود کند و در رتبه اول این دوره قرارگیرد.

نتیجه‌گیری

حزب جبهه ملی فرانسه از طریق امنیتی کردن مسئله مهاجرت، موفق به اقناع عمومی بخشی از جامعه فرانسه شد و از این طریق در حال افزایش قدرت خود و کسب موفقیت‌های انتخاباتی است. زمانی امری به یک مسئله امنیتی تبدیل می‌شود که این مسئله مربوط به بقا باشد و همچون تهدیدی اساسی برای یک موجود به حساب آید. جبهه ملی به عنوان یک بازیگر امنیتی‌کننده با اتخاذ یک دیدگاه نسبتاً بسته در مورد چگونگی تشکیل و حفظ هویت فرانسوی، مهاجران را به عنوان هویت‌های رقیب هویت فرانسوی، به موضوعی امنیتی تبدیل کرده است؛ محافظه‌کار بودن هویت فرانسوی موجب شده است که همواره در معرض چالش و تهدید باشد زیرا در این صورت "ما دیگر ما نخواهیم بود". طبق نظریه امنیت اجتماعی مکتب کپنهاگ (در انتهای هرکدام از مقولات، براساس نظریه امنیتی مکتب کپنهاگ مورد تحلیل قرار گرفته است)، وقوع مهاجرت یکی از عواملی است که به محض وقوع آن مسئله امنیت اجتماعی که بر هویت تاکید دارد، در دستورکار قرار می‌گیرد. مهاجرت به عنوان یک امر سیاسی (که بخشی از سیاستگذاری همگانی است و مستلزم تصمیم‌گیری و تخصیص منابع از سوی دولت و یا به شکلی نادرتر نیازمند گونه دیگری از نظارت و تدبیر جمعی است) توسط جبهه ملی به یک امر امنیتی (که همچون تهدیدی وجودی جلوه می‌کند که نیازمند آغاز تمهیدات اضطراری است و انجام اقداماتی در ورای مرزهای عادی رویه سیاسی را موجه می‌سازد)، تبدیل شده است. امنیتی شدن مسئله مهاجرت توسط جبهه ملی از طریق کنش گفتاری یا کنش کلامی (گفتمانی) رهبران این حزب صورت گرفته و در اذهان مردم فرانسه به صورت چنان تهدید وجودی برجسته‌ای جلوه داده‌اند که اثرات سیاسی اساسی خواهد داشت. ساختار سخنورانه خاص امنیتی‌کننده رهبران جبهه ملی را به خوبی می‌توانیم در سخنرانی‌های آنها مشاهده کنیم؛ جایی که همواره از بقا، اولویت اقدام "به این دلیل که اگر همین حالا مشکل را برطرف نسازیم دیگر دیر خواهد شد، یعنی دیگر وجود نخواهیم داشت تا شکست‌مان را جبران کنیم" سخن می‌گویند؛ به خوبی قابل مشاهده

است. جبهه ملی فرانسه از طریق ایجاد پیوند میان امنیت و مهاجرت به عنوان پدیده‌ای که فرانسه را در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و حتی زیست محیطی مورد تهدید قرار داده است، توانسته مخاطبانش را جذب و اقناع کند که هویت مشترک آنها در حال خطر است و پشتیبانی آنها را در انتخابات مختلف در اختیار داشته باشد. این رابطه میان مهاجرت و امنیت با گسترش بحران هویت و همچنین اسلام‌گرایی افراطی (رادیکالیسم) در میان مهاجران این کشور افزایش یافته است. داستان فراز و نشیب و بی‌ثباتی احزاب راست رادیکال همچنان ادامه دارد، اما از سال ۲۰۰۷ به بعد و با اوج گرفتن بحران مهاجرت در اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۵، شاهد قدرت‌گیری دوباره احزاب راست و به خصوص جبهه ملی در فرانسه هستیم. به خصوص انتخابات ریاست جمهوری فرانسه در سال ۲۰۱۷، نشان داد که پیروزی‌ها و موفقیت‌های حزب نه تنها اتفاقی نیست بلکه نشان از برنامه‌های بلندمدت دارد. حزبی که از زمان رهبری مارین لوپن نه تنها سیر نزولی نداشته است بلکه در انتخابات مختلف توانسته است پیروزی‌های بزرگی به دست آورد؛ روندی که در آن نه تنها حزب جبهه ملی به عنوان یکی از نمایندگان احزاب راست رادیکال در اتحادیه اروپا به سوی بی‌ثباتی در حرکت نیست بلکه به سوی ثبات و تثبیت خود در فضای سیاسی فرانسه به پیش می‌رود. با توجه به یافته‌های پژوهش و ارائه نتایج انتخاباتی حزب جبهه ملی که از زمان روی کار آمدن مارین لوپن در رأس حزب توانسته است پیروزی‌های زیادی در انتخابات مختلف به دست بیاورد؛ می‌توان اذعان داشت که بحران مهاجرت شکل گرفته در اروپا در قدرت گرفتن حزب راست‌گرای جبهه ملی تأثیرگذار است.

منابع

الف) فارسی

- احمدی لفورکی، بهزاد. ۱۳۹۱. اروپا ۱۱ (ویژه مسائل استراتژیک اتحادیه اروپا)، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- احمدی لفورکی، بهزاد. ۱۳۹۲. اروپا ۱۲ (ویژه احزاب و جریان‌های اروپایی)، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ایزدی، پیروز. ۱۳۹۳. جهادیون افراطی و امنیت اروپا، فصلنامه روابط خارجی، ۶ (۴). صص ۱۵۷-۱۸۵.
- ایوبی، حجت‌الله؛ نوربخش، نادر. ۱۳۹۲. گسترش جریان راست افراطی در اروپا، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، ۷۷-۱۱۹.
- بهزادفر، مصطفی. ۱۳۸۶. هویت شهر، نگاهی به هویت شهر تهران، تهران: نشر شهر.
- بوزان، باری؛ ویور، آلی؛ دو ویلد، پاپ. ۱۳۸۶. چهارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پورسعید، فرزاد. ۱۳۸۸. تحول تروریسم در روابط بین‌الملل، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۲ (۴).
- زرقانی، سیدهادی؛ موسوی، زهرا. ۱۳۹۲. مهاجرت‌های بین‌المللی و امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۵۹.
- زنجانی، حبیب‌الله. ۱۳۸۰. مهاجرت، تهران: سمت.
- سردارنیا، خلیل‌الله. ۱۳۸۶. تبیین جامعه‌شناختی احزاب پوپولیستی راست رادیکال در دموکراسی‌های تثبیت یافته اروپا (از دهه ۱۹۷۰ به بعد)، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۴ (۴)، ۱۸۵-۲۰۹.
- سلیمانی، رضا. ۱۳۸۵. آشفتگی معنایی تروریسم، فصلنامه علوم سیاسی، ۹ (۳۶).
- شیرغلامی، خلیل. ۱۳۹۰. اسلام هراسی و اسلام ستیزی: ده سال پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، فصلنامه سیاست خارجی، ۲۵ (۴).
- قوام، عبدالعلی؛ کیانی، داوود. ۱۳۹۰. اتحادیه اروپا: هویت، امنیت و سیاست، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محمدنیا، مهدی. ۱۳۹۵. مهاجرت و رادیکالیسم در اتحادیه اروپا، فصلنامه روابط خارجی، ۸ (۲). صص ۵۷-۸۶.
- مرشدی‌زاد، علی؛ غفاری هاشجین، زاهد. ۱۳۸۶. اسلام‌هراسی در اروپا؛ ریشه‌ها و عوامل، دانش سیاسی، ۳ (۲)، صص ۱۱۳-۱۳۹.
- مولایی، عبدالله. ۱۳۸۷. مهاجرت و سیاست هویت محور اروپایی، فصلنامه سیاست خارجی، ۲۲ (۱)، ۳۹-۶۵.

نصری، قدیر. ۱۳۹۰. تأملی نظری در یافته‌ها و دشواری‌های باری بوزان در بررسی امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۴ (۴).

نظری، علی‌اشرف؛ سلیمی، برهان. ۱۳۹۴. پوپولیسم راست افراطی در دموکراسی‌های اروپایی: مطالعه موردی فرانسه، فصلنامه دولت‌پژوهی، ۱ (۴)، ۱۵۷-۱۵۸.

سایت یورونیوز فارسی، (۲۰۱۷). وعده انتخاباتی مارین لوپن در فرانسه: تغییر قانون دو ملیتی بودن و پناهندگی [اخبار]. بازیابی شده در ۲۰۱۷/۰۲/۱۰ از:

<http://fa.euronews.com/2017/02/10/>

سایت یورونیوز فارسی، (۲۰۱۷). نشست احزاب راست افراطی اروپا در آلمان [اخبار].

بازیابی شده در ۲۰۱۷/۰۱/۲۳ از: <http://fa.euronews.com/2017/01/23/>

سایت یورونیوز فارسی، (۲۰۱۶). رهبر راست‌گرایان حزب فرانسه: کودکان مهاجران غیر قانونی از آموزش رایگان محروم شوند [اخبار]. بازیابی شده در ۲۰۱۶/۱۲/۰۸ از:

<http://fa.euronews.com/2016/12/08/>

سایت یورونیوز فارسی، (۲۰۱۶). نشست دو روزه نمایندگان احزاب راست افراطی در اروپا [اخبار]. بازیابی شده در ۲۰۱۶/۰۱/۲۹ از:

<http://fa.euronews.com/2016/01/29/>

ثمودی، علیرضا. ۱۳۹۳. دلایل رشد احزاب افراطی اروپا [نوشته سایت]. بازیابی شده در ۸ اسفند ۱۳۹۴، از:

<http://jamejamonline.ir/Online/1550941309973816699>

ب) انگلیسی

Gidron, N., & Bonikowski, B. (2013). Varieties of populism: Literature review and research agenda.

Solomon, H., & Kosaka, H. (2014). Xenophobia in South Africa: Reflections, narratives and recommendations. *South African Peace and Security Studies*, 2(2), 5-29.

Van Mol, ch., & De Valk, H. (2016). Migration and Immigrants in Europe: A Historical and Demographic Perspective. *Integration Processes and Policies in Europe*, IMISCOE Research Series, DOI 10.1007/978-3-319-21674-4_3.

Yılmaz, F. (2012). Right-wing hegemony and immigration: How the populist far-right achieved hegemony through the immigration debate in Europe. *Current Sociology*, 60(3) 368-381.

Zhirkov, k. (2013). Nativist but not alienated: A comparative perspective on the radical right vote in Western Europe. *Party politics*, Vol 20(2) 286-296.

Stockemer, D. (2017). The Front National in France: Continuity and Change

- under Jean-Marie Le Pen and Marine Le Pen. Publisher: Springer International Publishing.
- (2016, December 8). Marine Le Pen: no free education for children of 'illegal immigrants'. [Site]. Retrieved 2016, Dec. 8, from <https://www.theguardian.com/world/2016/dec/08/>
- Marliere, P. (2016, november 20). French politicians are now marching to Marine Le Pen's immigration tune. [Site]. Retrieved 2016, Nov. 20, from <https://www.theguardian.com/commentisfree/>
- Hamad, S. (2017, May 4). Marine Le Pen: France's homegrown threat to democracy. [Site]. Retrieved 2017, May. 20, from <https://www.alaraby.co.uk/english/comment>
- (2017, May 5). In Their Own Words: Marine Le Pen and Emmanuel Macron. [Site]. Retrieved 2017, May. 5, from <https://www.nytimes.com/2017/05/05/>
- Euler, M. (2017, Feb 5). Far-right leader presidential candidate Marine Le Pen arrives at a conference in Lyon, France. [Site]. Retrieved 2017, May. 5, from <http://time.com/4660732/france-elections-marine-le-pen>
- Nossiter, A. (2015, Nov 17). Marine Le Pen's Anti-Islam Message Gains Influence in France. [Site]. Retrieved 2015, Nov.17, from <https://www.nytimes.com/2015/11/18/>
- Sandford, A. (2017, Feb 9). What are Marine Le Pen's policies? [Site]. Retrieved 2017, Feb. 9, from <http://www.euronews.com/2017/02/09/>
- Nossiter, A. (2015, Oct 5). For Marine Le Pen, Migration Is a Ready-Made Issue. [Site]. Retrieved 2015, Oct.5, from <https://www.nytimes.com/2015/10/06/>
- Le Pen, M. (2015, Jan 18). Marine Le Pen: France Was Attacked by Islamic Fundamentalism. [Site]. Retrieved 2015, Jan. 18, from <https://www.nytimes.com/2015/01/19/>
- Samuel, H. (2010, Dec 26). National Front's Marine Le Pen to prove formidable rival to Nicolas Sarkozy. [Site]. Retrieved 2010, Dec. 26, from <https://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/europe/france/8225697/>
- (2010, Dec 12). Marine Le Pen: Muslims in France 'like Nazi occupation'. [Site]. Retrieved 2010, Dec. 12, from <http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/europe/france/8197895/>.